

## انقلاب اسلامی موتور محرکه آگاهی آزادی و آبادانی

■ابوالحسن حسین‌زاده



تاریخ جوامع بشری بر محور سطح آگاهی‌ها و پارادایم حاکم بر زمانه خود مسیر خود را در عرصه‌های گوناگون سیاسی اجتماعی، فرهنگی می‌یابد و طی می‌کند. هرگونه تغییر و تحول تاریخی در قالب انقلاب‌های فرهنگی و اجتماعی از رهگذر شکستن نظم موجود و طراعی، زمینه‌سازی، کادرسازی و شکل‌گیری نظم نوین است که همراهی و حمایت اجتماعی و مردمی را می‌طلبد. نگاهی گذرا به تاریخ به ویژه جوامع دینی و ظهور انقلاب‌های دینی و نوع معجزات پیامبران شاهدهی مستند بر این مدعاست.
با شروع عصر جدید از قرن ۱۵ میلادی که عقده‌ها، تجربه‌گرایی و علم ووزن بر مبنای اومانیسم، محور جنبش‌های علمی و فرهنگی در حال بسط و توسعه کمی و کیفی گردید؛ هرگونه تلقی خداگرایانه و دین‌محورانه در برابر جریان آگاهی و دانایی، آزادی و آزادگی و پیشرفت‌ها و آبادانی تلقی می‌شود. انقلاب کبیر پارلمنتاریستی انگلستان و پیوریتن‌ها، انقلاب آمریکا ، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب قبال انکا و کولمبوس همگی زنجیره‌هایی متصل به یکدیگر در جهت تکمیل نمودن فرایند دور شدن انسان از دین، جهت رسیدن به آگاهی تعالی بخش انسان‌مدار بود تا در پرتو آن انسان به آزادی فردی و اجتماعی و آبادانی ساختاری و مدنی جامعه بشری دست یابد.
قطار مدرنیته با همه امل و آرزوهای خود و پیشینه چند صد ساله، نتیجه‌اش شکل‌گیری دو جریان سرمایه‌داری و کمونیسم بود که بر برخورد نامشروع او دین ایدئولوژی، مکتب فاشیسم مولد گردید و سرنوشت خونین و فاجعه‌بار قرن بیستم را رقم زد؛ در این دوران میلیون‌ها انسان بی‌گناه کشته شدند آگاهی و آگاهی‌اندازی، جای خود را به شکایت و نسیب‌گرایی افراطی داد. آرمان‌گرایی به نهیلیسم معرفتی و صلح و آزادی به جنگ، بی‌ثباتی، ناامنی و آسارت و استثمار اکثریت مردم کره زمین بدل گشت. از سوی دیگر خواهی و برادری جای خود را به خودخواهی و استبداد و استکبار داد.

تحولات چند صد ساله دوران حاکمیت مدرنیته بر جهان نشان داد دوری از دین نه تنها منجر به افزایش آگاهی، آزادی و آبادی نمی‌شود بلکه آن را به محاق برده است. در این شرایط بی‌بست‌گونه قرن بیستم، که اندیشه‌های آشفته پست مدرنیته به دنبال مفزعی از بحران مدرنیته بود انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ با وقوع پیوست انقلابی که بر مبنای شالوده شکنی و نقد جدی بنیادهای مدرنیته غرب بود.

در شرایطی که ایران به عنوان جزیرهٔ ثبات در منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) تضمین‌کنندهٔ منافع آمریکا و امپریالیسم جهانی بود و به عنوان ستون نظامی دکترین نیکسون، نقطهٔ قبال انکا و کولمبوس به شمار می‌رفت مردم ایران به رهبری مرجعیت دینی و انکا به آگاهی‌های دینی، فردی،دشمن‌شناسی در برابر دیو دو سر استبداد و استکبار ایستاد و حکومت پهلوی را سرنگون کرد. این انقلاب که تمامی تئوری‌های خود به‌پردازان علوم سیاسی در غرب را برهم زده بود از سوی تفوقانی چون میشل فوکو انقلاب پست مدرن تلقی گردید در حالی که این انقلاب هر چند انقلابی ضدمدرنیته بود لیکن فراتر از پست مدرنیسم بود و خود نسخه‌ای بدیع و نوین براساس ریست‌بوم انسان‌های آزادی‌خواه و دین‌مدار ایران طراحی شد و طبق تقنین یافت.

انقلابی که از پایگاه دین و با مشارکت حداکثری توده‌های فراگیر مردم و نخبگان دینی و روشنفکری به دنبال آگاهی بخشی فراینده و پیشرو بود در مرزهای سرزمینی ایران متوقف نشد بلکه سرافراز جنبش آگاهی بخشی در کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی مستعدیه گردید. آگاهی برای مردم از استراتژی غیرخردا و افراد و گروه‌های ظالم و خودخواه که منافع سیاسی خود و طبقه و حزب خویش را بر منافع اجتماعی مردم و جامعه ترجیح می‌دهند. انقلاب اسلامی انقلابی بود برای بازگشت به خویشتن و آگاهی از خود و ظرفیتهای نهفته جامعه در درجه اول و شناخت نقاط قوت و ضعف خود و دشمنان جوامع بشری در درجه دوم. جریان آگاهی در مسیر تکامل خود به دنبال نیل به آرمان و ابر ارزش آزادی است؛ آزادی از نفس‌انماره شیطانی و حیوانی و آزادی و راهی از سایر انسان‌ها. در پرتو این آزادی است که حکومت انسان در مردمی‌ترین وجه خود یعنی مردم‌سالاری امکان اجرایی کردن اراده خود در بدسترسر جامعه می‌یابد و برخورداری از ولایت الهی او را در این مسیر کمک خواهد نمود. آزادی،نیفسه ارزش نیست آن چیزی که ارزش آزادی را ضاعف می‌کند هدف از آزادی است. غایت جریان آزادی در جامعه، رشد و پیشرفت انسان و تکامل انسانی در همه ابعاد مادی و معنوی است که امکان فعالیت‌های اجتماعی،شخصی و سازنده را فراهم می‌نماید و انسان را در مسیر ساختن قرار می‌دهد.

یکی از راه‌های شناخت قدرت و ماهیت یک انقلاب، میزان برد و تاثیرگذارانی بر دیگر جریان‌ها، پدیده‌ها و کشورها و ساختارهای جاری و ساری پیرامونی است. انقلاب اسلامی ایران یکی از تاثیرگذارترین انقلاب‌های معاصر است که معادلات جهانی را وارد نظم جدید نموده است و با گذشت زمان و مشخص شدن روزافزون برد این تاثیر زوایای جدید از نظم نوین انقلابی آشکار می‌شود. این تاثیرگذارانی در واقع سیاسی دهه هشتاد و نود در منطقه و جهان که حاکی از شکل‌گیری خویش رو برخی تکامل در جهت بیداری اسلامی و رشد حرکت‌های آزادی‌بخش نزد برخی از کشورهای جهان است، کاملاً نمود دارد و حاکی از تمایل به بازگشت به سیاست‌های عدالت‌خواهانه و رفتی نظام‌های سبطر-مچوپانه و سلطه‌طلب است. این تأثیرات را می‌توان در تشابه شعارها و الگوپردازی از روش‌های مقاومت و مبارزه مردم ایران با رژیم برد ایران دید.
در واقع این تأثیرات تأثیرات فرایند شبکه‌ای شدن آگاهی‌بخشی و سرازیر شدن جریان آگاهی به رود خروشان جامعه بشری است این مهم در عصر اطلاعات که عصری آگاهی محور و دانایی‌مدار است اهمیت دو چندان یافته و بی‌گناهِ خود را بهتر از قبیل پیدا کرده و خواهد کرد. امروز که

قریب به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، می‌توان تأثیرات شگسرف و عمیق انقلاب اسلامی را در ترویج و فراگیر شدن افکار مترقی اسلام بعنوان سگتگاه انقلاب اسلامی در سطح جهانی مشاهده کرد. در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی جریان‌هایی الهام گرفته از انقلاب اسلامی در کشورهای نظیر الجزایر، مصر، پاکستان، اردن، بحرین، عراق، لبنان، عربستان، ترکیه و دیگر کشورها به وجود آمد که هر یک تأثیرات سیاسی قابل توجهی در نظام‌های حاکم بر این کشورها داشته‌اند و هم‌اکنون نیز این جریانات به صورت احزاب و تشکلهای سیاسی فعال هستند. نقطه اوج این موج آگاهی‌بخشی را می‌توان در شکل‌گیری بسیج‌های مردمی در کشورهای منطقه که آماج حملات و توطئه‌های پیچیده محور غربی عربی و سلفی است مشاهده نمود . انکا به مرجمت دینی، مردم‌گرایی، مقابله با ظلم و زبده‌خواهی، انکا به ظرفیتهای درونی و عدم اعتماد به ابرقدرت‌ها از جمله مولفه‌های مهم در پیشبرد اهداف جبهه مقاومت به عنوان یکی از شعاع‌های منشعب از انقلاب اسلامی است.
عنوان یک انقلاب آگاهی بخش، به دنبال صورت فراینده این آگاهی در عین نقاط جهان جهت شکل‌گیری نظم نوین انقلابی است که منجر به آزادی و آبادانی جوامع بشری خواهد شد و رمز تداوم انقلاب نیز در همبستگی بودن این سه عنصر در یک فرایند منطقی و مستمر است.

با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، شاهد فعال شدن جریان‌هایی هستیم که در صدد هستند تا از یک سو دستاوردهای این انقلاب عظیم را زیر سوال ببرند و از سوی دیگر ملت بزرگ ایران را از گام بزرگی که برداشته است مایوس سازند. یکی از شکرده‌های که این جریانات از آن بهره می‌برند در کنار کتمان دستاوردهای انقلاب اسلامی و یا محدود نشان دادن آن، وارونه نشان دادن روندی است که رژیم شاهنشاهی در حال پیمودن آن بود به طوری که در نهایت چنین نتیجه گرفته شود که اگر انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد و رژیم اجازه می‌یافت تا این روند را ادامه دهد امروز با کشوری توسعه یافته و آزاد مواجه بودیم، نمونه‌ای از این ادعاها را می‌توان در اظهارات و نوشته‌های برخی بنگاه‌های خبری وابسته به بیگانگان<sup>۱</sup> ملاحظه کرد، در این ادعاها اگرچه به روحیات استبدادی رژیم شاه و نیز وضعیت اقتصادی وخیم سال‌های آخر حکومت پهلوی اشاره شده است ولی در عین حال با توجه به بیماری شاه و مرگ غیرالوقوع او، اینگونه استدلال می‌کنند که اگر مردم انقلاب نمی‌کردند بعد از مرگ شاه ما شاهد کشوری آزاد با پادشاهی مشروطه و البته توسعه یافته بودیم. همچنین حتی نظامی‌گری شاه و تجهیز ارتش اگرچه امر مثبتی بود و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در دوران دفاع مقدس از آن بهره برد ولی چون این تجهیزها برای دفاع در برابر شوروی بود، در صورتی که انقلاب نمی‌شد با فروپاشی شوروی عملاً این روند نیز متوقف می‌گردید.

با تمام این احوال باید گفت این تصویرسازی با شواهد خارجی سازگاری نداشت و روندی که پیش روی کشور بود هرگز با آنچه که توسط مدعیان تصویر می‌شود تطبیق نداشت. برای بررسی این مطلب به نظر می‌رسد بهتر باشد موضوع در چند محور مورد توجه و بحث قرار گیرد:

**روند توسعه اقتصادی – سیاسی**

توسعه اقتصادی زمان شاه یکی از مولفه‌های است که ضدانقلاب مدعی آن بوده و معتقدند اگرچه در سال‌های آخر رژیم شاه، وضعیت اقتصادی به دلایلی وخیم شد اما روند توسعه اقتصادی که شاه آغاز کرده بود روند مثبتی بود که اگر تداوم می‌یافت امروزه شاهد کشوری پیشرفته و توسعه یافته بودیم. در تجزیه و تحلیل این موضوع لازم است ابتدا به یکی از دیدگاه‌هایی که روند توسعه یافتگی کشورها را مورد تبیین قرار می‌دهد اشاره کنیم، برخی اندیشمندان براساس نوع توسعه‌ای که در کشورهای مختلف جهان صورت می‌گیرد کشورهای جهان را به سه بخش متمایز تقسیم می‌کنند:

الف – کشورهای مرکز که متشکل از کشورهایی که در آنها تولید کشاورزی و صنعتی موثرترین شیوه تولید است و فعالیت اقتصادی، پیچیده‌تر و انباشت سرمایه افزون‌تر است. این دسته از کشورها کالاهایی را تولید می‌کنند که مستلزم به‌کارگیری تکنولوژی پیچیده و شیوه مکانیزه و سرمایه‌بر هستند. دولت‌های مرکز قدرتمندترین و سازمان یافته‌ترین دولت‌ها هستند. از جمله این کشورها می‌توان به آمریکا و کشورهای اروپای غربی و حتی ژاپن اشاره نمود.

ب – کشورهای پیرامون که شامل آن دسته از کشورهایی است که فعالیت‌های اقتصادی در آنها ساده‌تر و غالباً کاربر است، این کشورها تولید کننده مواد خام و محصولات کشاورزی و دولت‌های این کشورها از نظر نظامی و سازماندهی تحت نفوذ دولت‌های مرکز قرار دارند و بخش اعظم کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین در این دسته قرار می‌گیرند.

ج – کشورهای شبه پیرامون که شامل کشورهای می‌باشد که پارهای از فعالیت‌های اقتصادی این شبهه فعالیت‌های اقتصادی مرکز است و پارهای دیگر به فعالیت‌های اقتصادی پیرامون شباهت دارد. دستگاه‌های دولت شبهه پیرامونی در برابر نفوذ دولت‌های مرکز استقلال بیشتری از دولت‌های پیرامونی دارند. این دسته از کشورها به عنوان واسطه بین مرکز و پیرامون نقش مهمی در نظام جهانی ایفا می‌کنند. کشورهای نظیر آرژانتین، برزیل و اسپانیا در این دسته قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup>
از طرفی توسعه‌ای که در کشورهای پیرامون و شبه پیرامون صورت می‌گیرد از نوع توسعه وابسته می‌باشد که ضعیف‌های مهمی دارد از جمله اینکه باعث از بین رفتن استقلال کشور در تصمیم‌گیری‌های خود بود. به گونه‌ای که حتی قادر به تصمیم‌گیری مستقل در امور داخلی خود نیز نمی‌باشند، راتول پریشی اقتصاددان آرژانتینی و بنیانگذار و رئیس مکتب اکالا که در زمینه مسائل اقتصادی کشورهای جهان سوم و ویژه کشورهای آمریکای لاتین به تحقیق نموده و وابستگی جهان سوم را در روابط وابستگی این کشورها توسعه یافته می‌داند معتقد است: «منظور من از وابستگی آنگونه روابط میان مرکز و پیرامون است که به واسطه آن یک کشور نه تنها در زمینه مسائل اقتصادی، در زمینه مسائل سیاسی و استراتژی‌های سیاست داخلی و خارجی خود نیز تابع تصمیمات مرکز می‌گردد و نتیجه آن می‌شود که به دلیل فشارهای

## سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

سراب توسعه-۱

# اقتصاد نیمه‌حاشیه‌ای و وابسته محمول سیاست‌های بیگانه‌محور پهلوی

■ سید روح‌الله لطیفی

نمی‌شد. همچنین بخش عمده صنایع مادری که در این دوره گسترش یافتند به دلیل نقش فراینده دولت در آن و متکی بودن آن به درآمدهای نفتی فاقد کارآمدی لازم شده و با توجه به اینکه منابع نفتی به جای اینکه در بخش‌های مورد نیازتر همچون کشاورزی هزینه شود در چنین بخش‌هایی هزینه می‌شد اقتصاد کشور نیز حالت ناموزن به خود می‌گرفت و به جای توسعه، هر چه بیشتر وابسته به درآمدهای نفتی می‌شد، به طور کلی کمک صنایع نفت به اقتصاد ایران در خلال ۱۵ سال آخر رژیم پهلوی مهم بود ولی اساسی نبود، بخشی از درآمد نفت صرف صنعتی کردن کشور، گسترش زیرساخت‌های اجتماعی و امور رفاهی می‌شد، ولی بخش اصلی آن یا در راه تقویت ماشین جنگی و دیوانسالاری نظامی رژیم و یا صرف امور غیر تولیدی و خرید سهام شرکت‌های ورشکسته خارجی می‌شد.

بر این اساس با بررسی وضعیت اقتصادی و روند توسعه رژیم پهلوی می‌توانیم دریافتیم که این رژیم با سیاست‌های اقتصادی که در پیش گرفته بود ایران را جزء کشورهای پیرامون قرار داده بود چرا که مهم‌ترین شاخصه کشورهای پیرامون این بود که اقتصاد آنها متکی بر تولید یک محصول خاص غیراستراتژیک و صادرات آن به صورت خام بود که در کشور ما این



محصول، عبارت بود از «نفت» که با بالا رفتن قیمت آن به دنبال جنگ اعراب و اسرائیل، روند تولید آن نیز افزایش یافت و کار به جایی رسید که به تدریج سایر محصولات غیرنفتی که در کنار نفت بخشی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دادند به مرحله حذف شدن نزدیک شدند که آمار و ارقام موید این موضوع می‌باشند، به عنوان نمونه صادرات نفت و گاز در سالهای ۱۳۴۱، ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ به ترتیب ۸۵،۰۷۷، ۹۸ و ۹۰ درصد بود، در حالی که صادرات سایر کالاها در همان سالها به ترتیب ۲۳، ۲۲ و ۲ درصد بود، ملاحظه می‌فرمایید که در سال ۱۳۵۶ یعنی آخرین سال حکومت شاه فقط دو درصد صادرات کشور غیر نفت و گاز بود.<sup>۱</sup> از طرفی یکی از ویژگی‌های توسعه‌یافتگی کشورهای پیرامون این است که این کشورها با صادرات مواد اولیه خام، صرفاً مصرف‌کننده صنوعات کشورهای دیگر هستند و اگر کارخانه‌ای نیز در کشورشان احداث می‌شود عمدتاً کارخانه‌های مونتاژ می‌باشد و یا اینکه فناوری‌های کارخانه به صورت کامل در اختیار نیروهای داخلی قرار نمی‌گیرد، بر این اساس اگرچه طی سال‌های اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ شاهد رانندازی کارخانها و صنایع مختلفی بودیم اما با کمال تاسف این کارخانه‌ها صرفاً کارخانه‌های مونتاژکاری بوده و هرگز فناوری‌های آنها در اختیار متخصصان و تکنیسین‌های داخلی قرار داده

# راهکار اصلاح‌طلبان برای بی‌ثمری باغ برجام؛ مظلوم‌نمایی کنید!

■ مجتبی باجلان



از نخستین روز بعد از توافق هسته‌ای تحت عنوان برنامہ جامع اقدام مشترک (برجام) میان ایران و گروه ۵+۱ روزنامه‌های زنجیره‌ای با تیرهای همچون «تحریم‌ها به تاریخ پیوست»، «صبح بدون تحریم»، «فروپاشی تحریم»، «اینگک بدون تحریم»، «تحریم رفت»، «پیروزی بدون جنگ»… و به استقیال این توافق رفتند و دولت محترم هم همراه با حامیان تشکیلاتی خود که از ورود سرمایه به کشور گرفته تا حل مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت، بانک‌ها و حتی آب خوردن مردم را نیز به توافق با آمریکا و غرب گره زده بودند، با عبارات و کلمات غلوآمیز برجام را فتح‌المفتح عنوان و تأکید می‌کردند که از این تاریخ به بعد کشور روی تحریم و تهدید را به خود نخواهد دید. اغلب مردم هم به واسطه همین شعارهای دولت، تمام زندگی خود را به دوران قبل و بعد از برجام تقسیم کرده و منتظر بازگشت با امضای برجام تحریم‌ها برداشته شود و با به دنیای رویایی و بزرگ کرده پاسپارجامی که زنجیره‌ای‌ها و حامیان تشکیلاتی دولت برایشان تصویر کرده بودند، بنگارند و همه مشکلات کشور را حل شده ببینند و از این روی دیگر دولتی‌ها با یک پدیده خیال می‌کردند که با دستکم به تئوری‌نمائی تعامل با کدخدا و معامله سرمایه‌های ملی ایران، برای خود دستاوردی ساختن‌اند و تا سال ۱۴۰۰ جای خود را در پاسنور تثبیت کرده‌اند.

با گذشت ۱۰ ماه از روز اجرای برجام اما، نه تحریم‌های روزافزون



حائز اهمیت است.
او به عنوان یک تاجر بزرگ، با نگاه تاجرباآنه در عرصه روابط بین‌الملل با رویکرد هزینه و فایده سیاست خود را دنبال می‌نماید. از این رو از مهم‌ترین ابهاماتی که هم اکنون در سطح سیاست خارجی آمریکا در دولت ترامپ مطرح است؛ به آینده روابط آمریکا با روسیه، چین، اتحادیه اروپا، حمایت از رژیم صهیونیستی، روابوری با جریان تروریسم و داعش، تحولات سوریه و عراق، نقش آفرینی خود در منطقه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، آینده برجام و مهار ایران می‌توان اشاره نمود.
یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ترامپ تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه است؛ لذا وی به صراحت عنوان داشته است که خود را متعهد به آن می‌داند.لذا هم‌مهم‌ترین سیاست‌های پرفراز و نشیب ترامپ، حمایت

صفحه ۷
پنج‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۵
۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۲۸ – شماره ۲۵۵۸

که اصلی‌ترین منابع درآمدی خود را از منابع خدای همچون نفت به دست می‌آورند دولت رانتیر ناמידه می‌شوند، اهمیت بحث دولت رانتیر در اینجا این است که از منظر جامعه‌شناسان سیاسی میان رانتیر بودن دولت و روند پاسخگو بودن آن ارتباط مستقیمی وجود دارد، چرا که یکی از ویژگی‌های دولت رانتیر عدم ادما به ملت تحت سلطه خود می‌باشد، به این دلیل که دولت با توجه به وابستگی مطلق به منابع طبیعی و عدم اتکا به منابعی همچون مالیات، خود را از مردم و کسب رضایت آنها بی‌نیاز می‌داند و به همین دلیل چنین دولتی به سمت استبداد حرکت می‌کند همچون برخی از کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت که در عین حال مردم در آنها فاقد هر گونه نقشی هستند و سیاست و حکومت در آنها به شیوه خاصی توسط نخبگان انحصارگر حاکم اعمال می‌شود که رژیم پهلوی نیز به همین دلیل، مصداقسی از دولت‌های رانتیر بود و با توجه به دو مسئله می‌توان گفت که روند گریباسخگو بودن آن هرگز توفیق نداشت، نخست به دلیل نقش رو به رشد صادرات نفت در اقتصاد این کشور و اتکای نزدیک به صد درصدی رژیم در سال‌های پایانی عمر خود به درآمدهای نفتی که در بالا بدان اشاره شد و دوم به دلیل محدودتر شدن هر چه بیشتر فضای سیاسی کشور و به این ترتیب با تداوم ماهیت رانتیری رژیم پهلوی و حتی روند رو به گسترش آن هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه سیاسی هیچ روزنه روشنی از احتمال تغییر و تحولات مثبت نمی‌توان یافت تا با همین روند، امیدی به تغییر در دوران پس از شاه پیدا شود.

در این میان کشور ما نیز تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اتکای شدید کشور به منابع نفتی و نقش نداشتن مردم در تعیین سرنوشت خویش کشوری با دولتی رانتیر به شمار می‌رفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظامی مرمسالار با نام جمهوری اسلامی ایران که در آن مردم توانستند برای نخستین بار به صورت جدی در تعیین سرنوشت خویش مشارکت نمایند یکی از ویژگی‌های دولت رانتیر از ساحت نظام سیاسی کشور ما حذف شد. از طرفی با توجه به اینکه نظام اسلامی نیز به الزامات رهایی از اتکا به منابع طبیعی واقف بود، لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش‌ها برای خروج از سایه سهمگین اقتصاد متکی به نفت آغاز شد و اگرچه تاکنون این هدف کاملاً محقق نشده است اما خوشبختانه گام‌های خوبی در این زمینه برداشته شده است به گونه‌ای که امروزه بر خلاف پیش از انقلاب که صادرات غیرنفتی گاه تنها دو درصد صادرات کل کشور را شامل می‌شد، این رقم گاه تا میزان یک‌سوم صادرات نفتی رسیده است.<sup>۲</sup> از طرف دیگر رهایی از اقتصاد متکی به نفت یکی از آرمان‌های رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد به گونه‌ای که مقام معظم رهبری بارها بر این موضوع تأکید کرده و آن را یکی از پیش‌نیازهای رشد و پیشرفت کشور و به ویژه در شرایط اقتصاد مقاومتی دانستند و حتی در برخی موارد نسبت به کم‌توجهی برخی مسئولان اجرایی به این مسئله مهم انتقاداتی مطرح نموده‌ند، به عنوان مثال رهبر انقلاب در ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ از بستن جاه‌های نفت و شکل‌گیری اقتصاد کشور براساس تولیدات غیرنفتی بعنوان «آرزوی واقعی» خود نام برده و همگان را به تلاش در مسیر تحقق این مهم فراخواندند: «آرزوی واقعی من- که البته ممکن است به این زودی‌ها قابل تحقق نباشد- این است که ما در جاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد خود را براساس کالاها و محصولات غیرنفتی بنیاد نهم. یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد.»<sup>۳</sup>

«باید اقتصاد ملت ایران از نفت جدا شود. این مسئله را اخیراً به دولت خدمتگزار ابلاغ کرده‌ام که برایش برنامه‌ریزی کند… دولت ما امروز حداکثر استفاده از نفت می‌کند و باید هم بکند. اما باید کاری کند که بتواند روزی به دنیا اعلام نماید که از امروز تا شش ماه دیگر، تا یک سال یا چهار رول دیگر، می‌خواهم در جاه‌های نفت را ببندم. می‌خواهم یک قطره نفت صادر نکم. دولت باید بتواند تصمیم بگیرد. باید به نفت احتیاج نداشته باشد. ما ثروت، منابع طبیعی و تولیدات داخلی زیاد داریم. امکانات تولید ثروت در داخل کشور، خیلی زیاد است. روزی به خاطر جنگ، این کارها عملی نبود، ولی بحمدالله امروز عملی است. باید هم انجام گیرد و انجام دهد.»<sup>۴</sup>

«باید کشور ما متأسفانه از دهه‌ها سال پیش به این طرف، وابسته به نفت است. این روش را همه اقتصاددان‌های دلسوز رد می‌کنند. این روش در کشور ما ارتاد شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را آزاد کنند؛ این شیوه غلطی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب می‌شود که ما به این هدف آیین‌نیاز می‌توانیم. نزدیک شویم.»<sup>۵</sup>
در یک کلام رسیدن به دولت غیر وابسته به منابع طبیعی یکی از آرزوهای نظام اسلامی می‌باشد که امید است با همت مردم و مسئولان امر، هر چه سریع‌تر شاهد تحقق آن باشیم.
\* منابع در دفتر روزنامه موجود است.

هسته‌ای دستاوردملموس و محسوسی را برای جامعه ایرانی به همراه داشته است. از سوی دیگر لقاۀ ثمر بخش بودن توافق هسته‌ای برای جامعه‌ای که خود به صورت دقیق و جامع برآورد مناسب و معقولانه‌ای از آن داشته برای دولتمردان و حامیان این توافق دیگر ناممکن شده و هراس از رویگرانی افکارعمومی از دولت یازدهم برای زنجیره‌ای‌ها و حامیان تشکیلاتی دولت دو چندان .
در چنین شرایطی که عدم اثبات ثمر بخش بودن توافق هسته‌ای با

\* **برجامی که در ازای قربانی کردن صنعت هسته‌ای قرار بود نقطه پایانی بر تحریم‌های ظالمانه باشد و از مشکلات اقتصادی و معیشتی گرفته تا معضلات زیست‌محیطی را حل کند نه تنها نتوانسته مشکلات کشور را تقلیل دهد بلکه حجم قابل توجهی از هزینه‌های بین‌المللی از جمله تحریم‌های بین‌المللی را به کشور سرازیر کرده است.**

آمار و ارقام مستند و متقن، عدم کارایی پروژه دستاورد سازی و دعوت مردم به صبر برای رسیدن سسبب و گلابی باغ برجام و رنگ باختن تزریق امیدکاذب به جامعه ایرانی توسط روزنامه‌های وابسته به جریان خوش‌بین به مذاکرات هسته‌ای تحقق تک آرزوی دولت و حامیانش که همانا رسیدن به صندلی ریاست دولت دوازدهم هست را به شدت

# ترامپ و آمریکای سردرگم و متناقض

■ علی قاسمی

حائز اهمیت است.

او به عنوان یک تاجر بزرگ، با نگاه تاجرباآنه در عرصه روابط بین‌الملل با رویکرد هزینه و فایده سیاست خود را دنبال می‌نماید. از این رو از مهم‌ترین ابهاماتی که هم اکنون در سطح سیاست خارجی آمریکا در دولت ترامپ مطرح است؛ به آینده روابط آمریکا با روسیه، چین، اتحادیه اروپا، حمایت از رژیم صهیونیستی، روابوری با جریان تروریسم و داعش، تحولات سوریه و عراق، نقش آفرینی خود در منطقه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، آینده برجام و مهار ایران می‌توان اشاره نمود.
یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ترامپ تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه است؛ لذا وی به صراحت عنوان داشته است که خود را متعهد به آن می‌داند.لذا هم‌مهم‌ترین سیاست‌های پرفراز و نشیب ترامپ، حمایت

<sup>[1]</sup> از مهم‌ترین ابهاماتی که هم اکنون در سطح سیاست خارجی آمریکا در دولت ترامپ مطرح است؛ به آینده روابط آمریکا با روسیه، چین، اتحادیه اروپا، حمایت از رژیم صهیونیستی، روابوری با جریان تروریسم و داعش، تحولات سوریه و عراق، نقش آفرینی خود در منطقه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، آینده برجام و مهار ایران می‌توان اشاره نمود

<sup>[2]</sup> یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ترامپ تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه است؛ لذا وی به صراحت عنوان داشته است که خود را متعهد به آن می‌داند